Tarheno@shahrvand-newspaper.ir ارتباط با گروه طرح نو:

سەشنبە ٢٩ اردىيەشت ١٣٩۴ | ٣٠ رجب ١٢٣۶ | ١٩ مى ٢٠١٥ | سال سوم | شعاره ٥۶٧ |



جهانخودرابسازيم كامروا ابراهيمي مترجم

جهان بهتر ، جهانی اســـت که به صور ت عام در رویاهاو ذهن بشــر امروز، وجود دارد. جهانی است که در آن هر لحظه خواهان ارتقای هستیم واينامكانرابهمامىدهد كههميشهدر تكاپوى سيدنبه أنباشيم صحبت ازجهان بهتر،بيش ز این که موضّوعی از جنس اجرا باشد، بحثی از جنس «مفهوم» است. جهان بهتر راباید ساخت ماساختن آن به این شیوه نیست که مجموعه ای از عوامــل اجرایی در کنار هـــم بگذاریم و به این نتیجه برسیم که جهانی بهتر را ساختهایم. برای ساختن جهان بهتر درواقع راهی به جز ساختن انسان بهتر نیست؛ انسـان های بهتری از خود و همنوعان خودمان. تازمانی که آدمی دســت به ساختن خود نزند (که مسیرش خودشناسی ست واز طریق مطالعه، دانش و آگاهی به وجود مىآيد)، نمى تواند به ســاختنُ خانواده بهُترى كمك كند و به همين طريق نمى تواند شــهر، کشــور و دنیای بهتری را بســاز د. در این مسی مطالعه و آگاهی، نقش اساسیای بازی می کند ولی متاسفانه ســرانه مطالعه کشورمان بسیار ری بایین است- کمتر از ۲دقیقه در روز - و تازمانی که این رویه ادامه داشته باشد، شاید رسیدن به دنیای بهتر شدنی به نظر نرسد یارسیدن به آن راهسختودشواری باشد. یکی دیگر از راههابرای رسیدن به دنیای ایدهآل مانِ بازگشت به آموزهها واخلاقيسات وپايبندي به آنها اسست چون اين ، بواردملاکهای انسانی هستند که گویی برخی آنهارابەفراموشى سپردەيم، شايددرموردبايدها ونبايدهايمان،بايد تجديدنظر كنيم،ماانسانها بايد بياموزيم كه به آزادى افراداحترام بگذاريم و خودرا تاجایی آزادبدانیم که مخل آزادی دیگران نشویم, بایداین مسأله رادر خودنهادینه کنیم که همان طور بادیگران رفتار کنیم که دوست داریم ديگرانبامارفتار كنند.بشربايدعشقورزيدنو دوست داشتن و دوست داشته شدن را تمرین كند.درواقع آدمی برای رسیدن به دنیای آرمانی خودباید سالم زندگی كند، سالم فكر كندو سالم عمل کند.اگر آدمی این فاکتورها را به کار بگیرد در حقیقت خود را ساخته و می تواند به داشتن دنياي بهتر هم اميدوار باشد.

بکی از گمشدههای بشــر فطرت اس شدن از بعد معنوى متاسفاته امروزه يرداختن به مادیات تبدیل به الگویی برای جوامع شـ ست. بیشتر کشــورها به ســـمت مادی گرایی و تجمل گرایسی رفتهانسد و امروزه پیشسرفت د مجمع تریسی رئید میتو مرورد پیسترین نکنولوژی و در دسترس بودن اطلاعات باعث شده به عنوان مثال نسبل جدید ما بیا دیدن امکانات و شــرایط زندگی مــادی دیگر جوامع به داشتن آن شرایط راغب شــود واگر آگاهی و ند. دانشی پشت این خواسته و تمایل وجود نداشته باشد در واقع می شود گفت شاید چالش بزرگی پیش بیاید.انسان ها با مطالعه و آگاهی و بارجوع به تاريخ خودو داشتههايشان مي توانند به آنچه اشتهاند و امروزه فراموش کردهاند برسند و در شيوه زندگى خود تجديدنظر كنند. متاسفانه ما در زمينه آموزش كوتاهــى كُردهايم و در زمينا نربيت نسلى توانمندتر عملكر دمان ضعيف بوده ت. ما نهادها و سازمان هايي داريم كه متولى فرهنگ سازی و آموزش نسل آینده ما هستند ات باید با انجام کارهای تبلیغاتی بین برسینی برگزاری کنفرانسها و ... نسل بهتری را تربیت کنند تا در لوای آن رسیدن به جهان بهتر دست یافتنی تر به نظر بر سد درواقع باید به افراد آموز ش داده شــود که انســان واقعی این اســت و برای ساختن دنیای بهتر باید در وهله اول به این معیار و ملاک در خودت بر سی و با فاصله گرفتن از آن، سیدن به دنیای مدنظرت تقریبا غیرممکن . ست. ما می توانیم به جای منع آدمها از کارها و مدام تكرار این كه این بداست، از آن دوری كن یا فلان چيز به ضرر توست،افعال خوب ونيكورا به کاربگیریم.وقتیافرادبهصورتشهودیببینند نتیجه این افعال بهتر است و منافع همه را در بر دارد ناخودآگاه به سوی آن کشیده شوند. نتیجه کار این میشود که نبایدها کمرنگتر شده و راه یدن به دنیای بهتر هموارتر. متاسفانه ما در رىسيەن بە تىپاق بېلىر تىلىرىر، ئىلىسىدە تە تار كشورمان دچار يكسرى ضدفرھنگ شدەايم؛رد رىرى چراغ قرمز،نبستن كمربند،رعايتنكردن حقوق شهروندى و ... كەبدبختانه جزو هنجارها شــدەاندامااين معضلات باصبر و شــكيبايى و ۔ تندر بابد بالاخص آموزش حلشدنى ه زمینه آموزش دقت بیشـــتری روی کتابهایی که به دست افرادمی سد، شود. این که مردم که به دست افرادمی رامی خوانندو آیا کتاب ها محتواء مناسب، ادارند باخير ؟





لا عكس: مهدي

ر موبرو، مستخدماتیندارند. سیاستهای اجتماعی ندارند. تغییر چنین روندی بستگی دارد به این که گروههای طرف دار اجتماعی تا چه اندازه در سیاست گذاری قدرت دارند. در شرایط فعلی . نهاکهقدر تدارندومدیریتشهری به حرفشان گوش می دهد، بورژوازی مستغلات هستند که بخش عمدهای از آنها را ساز مان های عمومی و ، بانکها و دستگارهای دولتی تشکیل میدهند که در کار ساخت برجهای مسکونی و تجاری وارد شـدهاند. در این شــرایط اصلانمی شــود امیدوار بود. اینها کســانیاند که دارند شــهر را شــکل میدهند. اتفاقی که در منطقه ۲۲ یا در شهر ک اکباتان افتاد نمونه بار زُی از نگاه به شهر . در شهر کاکباتان قرار بوددر فضای بزر گی بین فاز دووسه،فضای سبز ساخته شودامابه جای آن یک مگامال ساخته شد.این ساختمان تجاری کار کـرد فرامنطقهای دارد و سیسـتم شــهرک رافلج کردهاسـت، پارک خودروها در آن و رفتوآمدها حیات مدنی منطقه را تهدید ہ کند

_ در چنین شهری جایی برای آدمهان خودرو داشته باشید آن هم خودروی قدر تمند، میتوانیددر شهر رفتوآمد کنیدامااگر بخواهید بهعنوان یک شهروند عادی مثل روزگار گذشته دست کودکتان (ابگیرید،قدم بزنیدودوستانتان را ببینید، رویا یا خاطره است. در دستگاههای ۔ بیاست گذار شهرداری وشورای شهر گروههایی مید سه سال مهر دری هرای میهر در دستین که از حقوق شهروندان دفاع کنند یا نیستند یا خیلی در اقلیتاند، اگر هم باشــند کســی به حرفشان گوشنمیدهد.

می گویند که کودکی را در شهّر نمی بینیم پس بايدجمعيت افزايش يابددر صورتى كهاين نكته رادر نظر نمی گیرند که فضایی برای این کودکان در شهر نیست. امروز داشتن کودک امر ریسکی ر میر بیسی از رو مسلم رو مسلم رو میکند. فضای است و هزاران خطر اورا تهدید میکند. فضای بازی و امنی برایش نیست. ما فضای محله ای را حذف کردهایم آن وقت دلمان را خوش کردهایم به پارک،ایسی که افسراد آخر هفته بسا خودرو خصىشانبروند.يعنىهر كسىخودروداشته باشدامکانات برایش فراهم است. در صورتی که کودک باید نزدیکترین دسترســی را به پارک نظر هادر شهرمان نداريم.

از آن جایی که ما استیر پروژههای توسعهای کالبدمحور و نمایشی شدهایم و به دنبال به رخ کشیدن قدرت هستیم، آدمها به خصوص آنها که صدایی ندارند را نادیده گرفته و حذف شان که صدایی ندارند را نادیده گرفته و حذف شان کر دهایم. افتخار مدیر یت شـــهر ی.مان دو طبقه کـردن اتوبان بوده اســــــ اتوبانی کــه اتوبوس نمی توانــد در آن حرکت کنــد.این جا یعنی از محل مُنابع عمُومی شَــهر به کسانی که خودرو دارند امتیاز دادهایم. هیچ عدالتی در کار نیست د, حالی کـــه اولو بـــت در شـــهری کـــه آلود گی ر سی سے تو ہو۔ محیطزیستی دارد باید افرادی مثل کودکان و کهنسـالان باشـد. آدمهایی که دوست دارند در آشتى باطبيعت زندگى كنند، مىخواھند

راندُنویلچر دُر چنین شهری تجرُبه جالُبی است که به خوبی نشــان میدهد شهرهای ما چقدر ظالماند و انسان و نیازهایش در شهرسازی ما مورد احترام قــرار نمی گیرد. گاهــی کارهایی مثلا براى مناسبسازى پيادەرو براى معلولان انجام می شـود اما این تلاش ها هم، سطحی اند. در ریشـه ها و سـطوح عمیق تر نگاه ما به شهر انسانمحور نیست. پیادمرو بخشی از جامعه ربی ، بی پی رز ، بی رز ، ست. جایی که افسراد فسارغ از تمایزات می توانند آن جا حضور داشته باشند. در حالی که ی روی . خیابان این طور نیست، خیابان عرصه ای برای نمایش تمایزات طبقاتی و خودروهای لوکسی است که تناسبی با جامعه ایران ندارند و اسباب تحقیر طبقات محروم هســـتند. ســوار پورشه شدن در آمریکا که نظام بیمهای پوشش کامل ــيار تفاوت دارد با ايران كهُ در آمد افراد زیر ۴هزار دلار است و بیمه یوشش دهی کامل ندارد. در ایران پورشه سوار شدن ظلم به طبقات محروم است. تصور کنید یک پرایدمسافرکش با یک خود, وی لو کس تصادف کند، اگر خسارت بالای۴ یا ۵میلیون باشد به دلیل این که بالای سقف بيمه است بايد به خاطر نداشتن خسارت ست بید معنی بدید به صور عندی مسر یه زندان برود پس نمی شـود بـدون توجه به ابعاد اجتماعی این موضوعات، برای ورود آنها به جامعه تصمیم گرفت، پیادمرو هم همین طور است. اگر شـما بخش قابل توجهی را به حرکت عابر اختصاص دهند به عدالت احتماعي انحاد

عبر احتصاص نعید به هامت اجتماعی، ایجان شهر دوستدار کودک و دوستدار کهنسال کمک کردهاید. اینها مفاهیمی است که امروز در دنیا سرلوحه خیلی از برنامه های شهری است. شهر

در تحولات شهرســازی در دنیای امروز چند اتفاق مهم افتاده اسـت. ما داریم از یک شــهر مدنی اسـ

> برایشان مهمنیست. این فضاها در شـهری مثل تهران روز به روز بعنی مکانی است که نه عابر می تواند در آن



خودرومحور به ســمت شهری شــهروندمدار حرکــت میکنیــم. الگوهــای مدرنیســتی شهُرسازی که مبتنی بر محل کار و زندگی، سلطه خودرو و اتوبان و حومهنشینی بودهانداز سلطه خودرو و اتوبان و حومهنشینی بودهاند از طرف فعالان اجتماعی مــورد نقد قرار گرفتند. برای مثال در آمریکا خانمی به نام جین جاکوبز که تحصیلات رسمی دانشــگاهی نداشته ولی مرتب در شــهر میچرخید و شــهر را میدید. زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا را مطرح رىدىنى و تىر = شەرىدى بېر = ، سريدى رە تىسى كرد.اين تغييرات اساسى بە مسألەشھر ونگرش انسان به شهر ایجاد شده است. آن چه که اهم داردنوع نگاه ما به آدمهایی است که در شــهر زندگی می کنند. آنها برایمان مهم هستند یا در آمدسازی، رفت و آمد خودرووایجاد مگامال ها برایمان اهمیت دارند؟ اگر این مسائل در اولویت بریدی میود بخرود آدمها از برنامه ها حذف باشــند خود به خــود آدمها از برنامه ها حذف می شوند، به خصوص آنها که صدایی ندارند مانند كودكان ناتوانان جسمى، سالمندان وزنان كه به پيادەرونياز دارنداماچون صدايي ندارندو آنها كه

بهمناسباتسرمايهدارىمىانديشنداينمسائل





قانون گریــزی و قانون ســـتیزی بــه عوامل مختلفی بر می گردد.یکی از مهم ترین علل قانون ســـتیزی و قانون گریزی ایرانیان ماهیت استبدادی حکومتهااز گذشته بوده است و ماھىت اس نوعى تقابل دولت و ملـت به وجود بيايد و مردم ،ر مقابل احــكام وقوانين دولت ها نوعي تقبل رخورد کنند چون این احسـاس وجود دا کُه آنُ قوانین تامین کننده منافع حاکمان را علیه آنها یاضد آنها پیش می ردو سودی در قوانین به نفع خود ندیدنــد، بنایراین در مقابل و یی با سع مود دید مید به بری را سبان قوانین، فرامین واحکام دولتی ایستادگی کردند. فرهنگی که از گذشته برجامانده و نتیجه حکام ، - ر د گذشـــته بوده باعث نوعی بدبینی در تا فرهنگ سیاسی ماایرانیان نسبت به قانون و به نوع عام تر آن نادیــده گرفتن نظم اجتماعی شده است. البته علت ذکر شــده دلیل تاریخی قانون گریزی ایرانیان است، البته با تحولاتی که ری ریزی در یای . مشروعیت به بعد شــکل گرفت و در مجموع ـــکل گیری مجلس شورای اســلامی و اینکه کشورمان صاحب قوانینی شد که ناشی از اراده ملت بوده و انتظار میرفت که رابطه قبل دولت وملت اصلاح شود و نگانگی ای سن ملت و دولت ر سب می بود و به می بی بی منع و بود. شکل بگیرد، اما استبداد رضا شاهی مانع این امر شد و در نتیجه بدبینی های گذشته را تقویت کرد.باتوجه به تحولاتی که در دوران دیکتاتور ی رضا شاه شکل گرفت و قوانین و مجلس جایگاه خود را در مجموع از دست دادند دوباره بدبینی ها تشـدید سد یکی دیگر از عواملی که باعث شـد مردم ایران قانون گریز و قانون ستیز شوند این بود که قوانینی تصویب شــدند کــه در این قوانین با خواسـت و منافع عمــوم همخوانی و همراهی نداشت و در مجموع قوانینی بود که به بُهعنوان طور کلی برخاسته از بطن مردم نیس مثال همين قانون ممنوعيت ورودماهواره ديديم خواست مردم چیز دیگری بود واز آن استفاده می کنند؛ مردم با استفاده از ماهـواره و دیدن رنامههای آن در حقیقتاز این قانون سرپیچی کردنــد.در واقع باید در تمامی مسائل و موارد بايد حق و حقوق مردم لحاظ شــود. قانون بايد ... کر رو رو رو منبعش حق و حقوقی باشد؛ حق و حقوقی که به طور طبیعی برای انسان ها در نظر گرفته شده . است و حقیقت این است که نباید این حقوق رااز انسان ها سـلب کرد؛ نباید به این مسائل به ُیدُ منفی نگریست وقتّی حق و حقوق مردم در نوانین نادیده گرفته می شود در نتیجه مردم هم از آن قوانین روی بر گردان میشــوند، البته این ر با طور نیست که مردماز تمامی قوانین گریز داشته باشند.در واقع اگر قوانین منطبق بر حق و حقوق، ا طبیعی و انسانی مردم و در راستای نظم باشد نه اینکه عده ای براساس نیات و منافع خود یکسری قوانین را وضع کنند. نباید بین خواست مردم و اراده عمومی و اراده قانونگذار جدایی باشد یعنی اراده قانونگذار منطبق بر اراده مردم باشــد وقتی ہے گویند مجلس باید بیانگر ارادہ عموم باشد به این معناست که مردم اراده خود را ترکیب مجلس ۔ نشــان بدهند و زمینهای فراهم شــود که مردم خواست خود را محقق ســـاز ند. فیلتر هایی به کار گرفته نشود که مردم را از حقوق خود محروم کنند یا در انتخابات نتیجه به صورتی نباشد که نتیجه ختم به تحقق اراده عموم مردم نشود. اگر خواست واراده عمومى مردم به معناى واقعى آن در مجلس جه این می شود که مقاوم درمقابلقانونوقانونگريزىبەحداقلخودتنزل بیدامی کندوبسیاری از مشکلاتی که وجود دارد حل میشودو هزینه اجرای قانون کاهش می یابد و می توانیم با هزینه کمتری کشور را اداره کنیم. ر کی ر ۲۰۱۰ ر. یکی از بحثهایی که در اداره کشـور مورد توجه قرار می گیرد بحث اداره کشور باهزینه پایین است ودر این راستابایداز تحمیل هزینههای بی جاو بی مورد ممانعت شود و با میدان دادن به خواست یی رو بی رو بی این این مرد می می این مرد م از قوانین را افزایش داد باید دولت درونی شــود و مردم با منافع خود آشنا شوند. حقوق شهروندی و اُزادی های عمومی توجه بیشتری شود. مردم به سبب انسان بودن حق و حقوقی دارند و براساس شــهروند بودن نیز باید حقوقی برای آنها در نظر گرفت و قانونگذار بایـداین حقوق را مدنظر قرار بدهدو در تصويب مقررات لحاظ كند.

